

باورهای عامیانه

در کتاب‌های فارسی دوره‌ی متوسطه
و پیش‌دانشگاهی



سیروس پورقاسبی - تنکابن

(متولد ۱۳۴۸) دبیر زبان و ادبیات فارسی
تنکابن کارشناسی ارشد زبان و ادبیات
فارسی از دانشگاه تربیت معلم است.

کلید واژه:

هما، چشم زخم، شبیه عمر
میرسام، اختلاج اعضا، ماه نو، گذشتن
اخر

چکیده:

در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره‌های متوسطه و پیش‌دانشگاهی به خودآزمایی‌هایی با این مضمون برمی‌خوریم که «در درس به کدام باور عامیانه اشاره شده است؟» اما در هیچ‌یک از کتاب‌های یادشده به شرح و تعریف اصطلاح «باور عامیانه» پرداخته نشده است. نگارنده ضمن ارائه‌ی توضیحی مختصر درباره‌ی «باور عامیانه» به شرح و بسط نمونه‌هایی از باورهای عامیانه می‌پردازد. کوشش شده است تا توضیحات مربوط به هر باور، مستند به شواهدی از نظم و نثر فارسی باشد. با این وجود در مواردی که شواهدی یافت نشد تنها به ذکر باور بسنده شده است.

در این جا باورهای عامیانه‌ی مندرج در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره‌ی دبیرستان را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را
که به ما سوا فکندی همه سایه‌ی هما را
(ادبیات فارسی ۲ ص ۲)

هما در افسانه‌ها رمز سعادت و پادشاهی پنداشته شده است. مردم قدیم هما را مرغی مبارک و موجب سعادت می‌شمردند که سایه‌ی او بر سر هر کس بیفتد آن فرد به دولت و پادشاهی دست می‌یابد. «در کتب جانورشناسی از قبیل حیات‌الحوایان و عجایب‌المخلوقات و نیز الحیوان جاحظ و زهدنامه‌ی علایی سخنی درباره‌ی این پرنده وجود ندارد، ولی در شعر و ادب فارسی وجود آن امری مسلم و سعادت بخشی سایه‌ی او جزء بدیهیات به شمار می‌رفته است...»^۱

برخی از محققان واژه‌ی «همایون» را برگرفته از نام این پرنده می‌دانند.^۲

از همای در شعر فارسی با مناسبات زیر یاد شده است:

(الف) موجب سعادت:

همای گو مفکن سایه‌ی شرف هرگز
بر آن دیار که طوطی کم از زغن باشد

(حافظ ص ۱۰۹)

(ب) استخوان خواری:

همای بر سر مرغان از آن شرف دارد
که استخوان خورد و جانور نیازارد

(گلستان ص ۶۹)

(ج) در تقابل با جغد که مظهر شومی است:

کس نیاید به زیر سایه‌ی بوم
ور همای از جهان شود معدوم

(گلستان ص ۶۰)

۲. دیدم ماشاءالله چشم بد دور آقا
و اترقیده‌اند.

(ادبیات فارسی ۲ ص ۳۲)

چشم زخم «در فرهنگ عامه آزار و گزند است که گمان می‌رود از تأثیر نگاه کسی به انسان می‌رسد. نظر دشمن، نظر حسود و نظر کسی که فاقد و طالب چیزی است و گاه هرگونه نظر تحسین در اعتقاد عامه ممکن است چنین تأثیری داشته باشد. کسی را که گمان می‌رود چشمش چنین تأثیری دارد، بدچشم، شور چشم و چشم‌رسان می‌خوانند و نظر کردن او را به چشم زدن، چشم‌رساندن و نظر رساندن تعبیر می‌کنند... اعتقاد به چشم زخم با این صورت مخصوص در ایران از تأثیر اسلام و اعراب وارد شده است...»

(دایرة‌المعارف فارسی)



۳. گویی کالبد بنا، مینایی است که روح ایران را در آن حبس کرده‌اند.

(ادبیات فارسی ۲ ص ۱۱۰)

در افسانه‌های قدیم، جادوگران دیوها را در شیشه می‌کردند. علامه دهخدا می‌نویسد: «در قدیم رسم دعانویسان بود که اشخاص جن‌زده را با ذکر و ورد و دعا درمان می‌کردند و جن‌های مسلط بر آن‌ها را پس از تسخیر (به وسیله‌ی ادعیه و اوراد) در شیشه می‌کردند و اشخاص جن‌زده را بهبود می‌بخشیدند.»

(لغت‌نامه - ذیل دیو)

ظاهراً ترکیب «شیشه‌ی عمر» نیز بی‌ارتباط با این باور نیست. دیوها در افسانه‌های ایران شیشه‌ای موسوم به «شیشه‌ی عمر» دارند و از آن با دقت نگهداری می‌کنند.

هرگاه این شیشه به دست انسان بیفتد مالک عمر و زندگی دیو می‌شود زیرا با شکستن شیشه، دیو نیز خواهد مرد.

(لغت‌نامه - ذیل شیشه)

۴. روز پنجشنبه، یازدهم صفر، امیر را تب بگرفت: تب سوزان و سرسامی افتاد... پیش رفتم یافتم خانه تاریک کرده...

(ادبیات فارسی ۳ - غیر علوم انسانی ص ۵۱)

«سرسام» نوعی بیماری که با سرگیجه و سردرد و هذیان‌گویی همراه است و به مبتلای این مرض سرسامی می‌گویند. بنابر باور عامه چنین بیماری از روشنی آزار می‌بیند و بی‌آرام می‌شود. (غیاث‌اللغات) از این رو بیمار را در اتاق تاریکی نگه می‌دارند. بیهوشی در داستان قاضی بست در شرح اعتلای مسعود غزنوی به تب و سرسام بعد از حادثه‌ی رود

هیرمند به این شیوه‌ی درمان سرسام اشاره می‌کند. این باور در شعر فارسی نیز آمده است:

سرسامی و نور چون بود خوش
خاشاک و نمود بالله آتش

(لیلی و مجنون ص ۱۱۹)

۵. امیر را یافتم آن جا بر زیر تخت نشسته، ...
مخنقه در گردن، عقدی همه کافور...

(ادبیات فارسی ۳ - غیر علوم انسانی ص ۵۱)

«کافور» ماده‌ی معطر جامدی است که آن را از گیاهی به همین نام می‌گیرند (فرهنگ فارسی معین). براساس باورهای طبی قدیم «کافور سرد است و خشک و چون اندر قرص‌ها به کار برند، تب‌های گرم را سود کند و تب محرقه را»^۲

۶. دوباره پلک دلم می‌پرد، نشانه‌ی چیست؟

شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی

(ادبیات فارسی ۳ - غیر علوم انسانی ص ۱۳۷)

جنیندن یا اختلاج بعضی از اندام‌های آدمی را در باور عامه نشانه‌ی وقوع پیشامدهای گوناگون می‌دانسته‌اند. دکتر زرین کوب می‌نویسد: «تقال از روی اختلاج اعضا از قدیم بین ایرانیان روش‌هایی داشته است و در الفهرست، نام کتابی در این زمینه آمده است که به ایرانیان قدیم منسوب شده است. اختلاج اعضا و معرفت احکام آن تا این اواخر در ایران شهرت تمام داشت و در ادب نیز در باب آن بعضی حکایات آمده است از جمله در جوامع‌الحکایات عوفی حکایتی است که نمونه‌ای از فال‌های راجع به پریدن چشم را به دست می‌دهد و نیز از آن می‌توان اعتقاد عامه را در باب ذوق و فراست فال‌گیران دریافت.»^۲

۷. آن که گویند که بر آب نهاده‌ست جهان

مشنو ای خواجه که تا درنگری بر باد است

(ادبیات فارسی ۳ - غیر علوم انسانی - ص ۱۷۹)

مطابق اعتقاد قدما «زمین بر آب است و

آب بر روی صخره و صخره بر کوهان گاو و گاو بر کُم کُم (توده‌ای از ریگ به هم چسبیده) و آن کُم کُم بر پشت ماهی و آن ماهی بر باد سترون و باد در حجایی از ظلمت و ظلمت بر ثری و چون به ثری رسی دانش خلایق به پایان رسد و هیچ کس نداند که آن سوی چیست جز خدای»^۳

۸. اکنون مشتی خاک پس من انداز تا گرانی
بیرم.

(ادبیات فارسی ۳ - علوم انسانی - ص ۱۷۹)

ترکیب «خاک در دنبال کردن به معنی راندن و با تحقیر از خود دور کردن است به گونه‌ای که نفرت از بازگشت طرف را نشان دهد.»

(در اقلیم روشنائی، ص ۲۴۹)

استاد مجتبی میثوی در شرح این باور می‌نویسد: «چنین برمی‌آید که هرگاه بازگشت رونده‌ای را نمی‌خواسته‌اند از پی او خاک می‌افکنده‌اند. رسم امروز در این مورد کوزه انداختن و شکستن است. چنان‌که از

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یادداشت

۱. نیرنگستان ص ۹۷.
۲. منطق‌الطیر ص ۱۷۸.
۳. ر. ک. نیرنگستان ص ۳۲.
۴. یادداشت‌ها و اندیشه‌ها ص ۲۵۹.
۵. آفرینش و تاریخ، ۱/۳۰۵.
۶. یادداشت‌های دکتر غنی در حواشی دیوان حافظ ص ۲۵۸.

منابع و مأخذ

۱. آفرینش و تاریخ، مطهرین طاهر مقدسی، ترجمه‌ی دکتر محمدرضا شفیع کدکنی، تهران، آگاه، ۱۳۷۴.
۲. ادبیات فارسی (۱)، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ ۱۳۸۰.
۳. ادبیات فارسی (۲)، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ

۱۳۸۰. ۴. ادبیات فارسی (۳) (کلیه‌ی رشته‌های غیرعلوم انسانی)، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ ۱۳۸۱.
۵. ادبیات فارسی (۳) (رشته‌ی علوم انسانی)، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ ۱۳۸۰.
۶. ادبیات فارسی (۲) (دوره‌ی پیش‌دانشگاهی، رشته‌ی علوم انسانی)، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ ۱۳۸۰.
۷. زبان و ادبیات فارسی (۱) و (۲)، (دوره‌ی پیش‌دانشگاهی، کلیه‌ی رشته‌ها)، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ

۱۳۸۲. ۸. اقبال‌نامه، حکیم نظامی گنجه‌ای، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره چاپ چهارم، ۱۳۷۸.
۹. الابنه عن حقایق الادویه، موفق‌الدین ابومنصور علی هروی، تصحیح احمد بهمنیار، به کوشش حسین مجبویی اردکانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
۱۰. بوستان سعدی، به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، چاپ ششم، ۱۳۷۹.
۱۱. تاریخ بیهقی، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران، مهتاب، چاپ ششم، ۱۳۷۶.

پس مسافری که می‌خواهند زود باز گردد آب اندازد. ازرقی هروی در ضمن قطعه‌ای که در هجای کسی گفته است نفرت از وی را در بیتی بدین لفظ بیان کرده است:

من حجره را بروم، پس خاک حجره را

بندازمش ز پس چو بی از در برون نهاد

(کلیله و دمنه ص ۵۰)

۹. بگفتا دوری از مه نیست درخور

بگفت آشفته از مه دور بهتر

(زبان و ادبیات فارسی (عمومی)

پیش‌دانشگاهی ص ۴۵)

مطابق اعتقاد قدما دیوانه، صرعی و جن‌زده با دیدن ماه نو آشفته می‌شوند. خمسه‌ی نظامی سرشار است از تصاویر زیبایی که با بهره‌گیری از این باور عامیانه در ذهن شاعر گنجه خلق شده است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

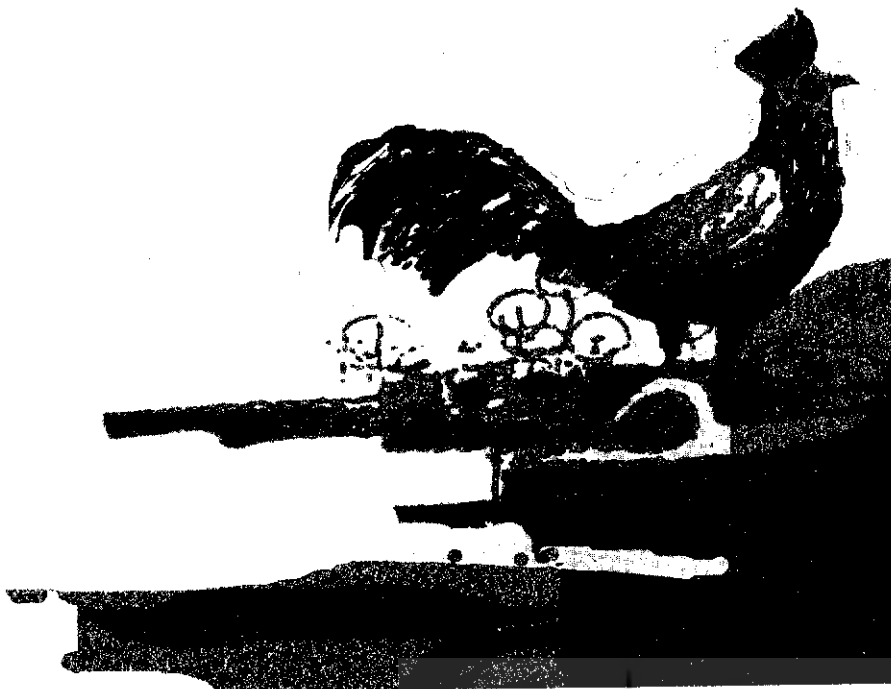
ملک چون جلوه‌ی دلخواه نو دید

تو گفتی دیو دیده ماه نو دید

(خسرو و شیرین ص ۳۹۲)

۱۰. روز هجران و شب فرقت یار آخر شد

۱۲. خسرو و شیرین، حکیم نظامی گنجه‌ای، تصحیح و حواشی حسن دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
۱۳. دایرة‌المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، تهران، امیرکبیر، کتاب‌های جیبی، ۱۳۸۰.
۱۴. در اقلیم روشنائی، دکتر محمدرضا شفیع کدکنی، تهران، آگاه، ۱۳۷۳.
۱۵. دیوان حافظ، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، به کوشش رحیم ذوالنور، تهران، زوار، ۱۳۶۹.
۱۶. دیوان خاقانی شروانی، به کوشش دکتر میرجلال‌الدین کزازی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵، دو جلد.



زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد
(زبان و ادبیات فارسی (عمومی)
پیش دانشگاهی - ص ۵۱)

دکتر عبدالحسین زرین کوب در شرح این اعتقاد عامیانه می نویسد: «عامه می پنداشته اند که در هنگام فال زدن اگر ستاره ای از آسمان بگذرد فال راست می آید. «درباره ی «گذشتن اختر» نوشته اند: «یعنی آن وقتی که اختر (یعنی ستاره ی مساعد) از نصف النهار یای یکی از درجات منطقه البروج، مثلاً درجه ی طالع شخص مفروض عبور کرده زیرا در آن وقت است که انسان هر خواهش یا دعایی بکند یا فالی بزند، برآورده می شود.»^۶

ادبیات فارسی ۱ ص ۱۳۳ می رسد باران؟

ادبیات فارسی ۲ ص ۱۳۰

* من مگر طالع خود در تو توانم دیدن
که توأم آینه ی بخت غبار آگینی

ادبیات فارسی (۲)

پیش دانشگاهی غیر علوم انسانی ص ۹۰

* محال است در میهمانی اول بعد از
عروسی بگذارم از کسی چیز عاریه وارد این
خانه بشود مگر نمی دانی که شکوم ندارد
بچه ی اول می میرد؟

ادبیات فارسی ۲ ص ۳۱

* قاصد روزان ابری، داروگ، کی

مواردی که شاهدهی از آثار ادبی برای
شرح باورهای به کار رفته در آن ها، نیافتیم
عبارت اند از:

* ستاره مان از اول مطابق نیامد.

ادبیات فارسی ۱ ص ۱۳۲

* سی و سه بندم به تکان افتاد.

۳۱. منطق الطیر، عطار نیشابوری،
مقدمه، تصحیح و تعلیقات
محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران
سخن، ۱۳۸۳.

۳۲. نیرنگستان، صادق هدایت، تهران،
جاویدان، ۱۳۵۶.

۳۳. هفت پیکر، حکیم نظامی گنجه ای،
تصحیح و حواشی حسن وحید
دستگردی، به کوشش سعید
حمیدیان، تهران، قطره، چاپ
چهارم، ۱۳۸۰.

۳۴. یادداشت ها و اندیشه ها، دکتر
عبدالحسین زرین کوب، تهران،
جاویدان، چاپ چهارم، ۱۳۶۲.

۳۵. یادداشت های دکتر قاسم غنی در
حواشی دیوان حافظ، به کوشش
اسماعیل صارمی، تهران، علمی،
چاپ دوم، ۱۳۶۶.

۱۳۷۷.

۲۷. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، تهران،
دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره ی
جدید، ۱۳۷۷.

۲۸. لیلی و مجنون، حکیم نظامی
گنجه ای، به تصحیح و حواشی
حسن وحید دستگردی، به کوشش
سعید حمیدیان، تهران، قطره،
چاپ سوم، ۱۳۷۸.

۲۹. مثنوی مولوی، به تصحیح و توضیح
دکتر محمد استعلامی، تهران
سخن، چاپ ششم (با تجدید نظر
کامل)، ۱۳۷۹.

۳۰. مخزن الاسرار، حکیم نظامی
گنجه ای، با تصحیح و حواشی
حسن وحید دستگردی، به کوشش
سعید حمیدیان، تهران، قطره،
چاپ چهارم، ۱۳۷۹.

یا حقی، تهران، سروش و پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
چاپ دوم ۱۳۷۵.

۲۲. فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین،
تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم،
۱۳۶۰.

۲۳. فرهنگ فارسی عامیانه، دکتر
ابوالحسن نجفی، تهران، نیلوفر،
۱۳۷۸.

۲۴. کلیات سعدی، به تصحیح
محمدعلی فروغی، تهران،
ققنوس، چاپ سوم، ۱۳۶۸.

۲۵. کلیله و دمنه، انشای نصرالله منشی،
به تصحیح مجتبی مینوی، تهران،
امیرکبیر، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۳.

۲۶. گلستان سعدی، به تصحیح و
توضیح دکتر غلامحسین یوسفی،
تهران، خوارزمی، چاپ پنجم،

۱۷. دیوان فرخی سیستانی، به اهتمام
محمد دبیرسیاقی، تهران، زوار،
چاپ سوم، ۱۳۶۳.

۱۸. شرف نامه، حکیم نظامی گنجه ای،
تصحیح و حواشی حسن وحید
دستگردی، به کوشش سعید
حمیدیان، تهران، قطره، چاپ
سوم، ۱۳۷۸.

۱۹. غیث اللغات، غیث الدین محمد
رامپوری، به کوشش دکتر منصور
ثروت، تهران، امیرکبیر، چاپ
دوم، ۱۳۷۵.

۲۰. فرخانمه، ابوبکر مطهر جمالی
یزدی، به کوشش ایرج افشار،
تهران، انتشارات فرهنگ ایران زمین،
۱۳۴۶.

۲۱. فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در
ادبیات فارسی، دکتر محمدجعفر